

Semantic Analysis of Muhsinīn in the Verses of the Holy Quran through Collocation Method

Umm al-Banin Ghasemi¹, Mohammadreza Yousefi²

¹ PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. o.ghasemi1920@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). savabeghyousefi@gmail.com

Abstract

In the terminology of the Quran, the people of Ihsān are known as Muhsinīn. This word is one of the frequently mentioned terms in the Holy Quran and appears in forms such as Muhsin, Muhsinīn, and Muhsināt. Within the semantic system of the Quran, this word acquires a special semantic connotation in relation to other words. The broad spectrum and vastness of the concept of Muhsinīn in the Quran, along with examining the structure and context of the verses focused on understanding the term Muhsinīn, leads to a correct and comprehensive understanding of the Quranic verses. In this regard, the present study, using a descriptive-analytical method, explores the semantics of Muhsinīn in the verses of the Holy Quran through the method of collocation. The findings indicate that the word Muhsin is an active participle derived from the verb Ahsana and is used in the Quran in two meanings: one refers to those who do good and benefit others, and the other to those who perform righteous deeds and exhibit virtuous behavior, whether these actions are practical, spiritual, or doctrinal. This word has collocates such as Muttaqīn (the pious), Šābirīn (the patient), Mujāhidīn (those who strive), Mufliḥīn (the successful), and Munfiqīn (those who spend in charity), with which it shares semantic relationships. When mentioned alongside Muhsinīn, these words illuminate different dimensions of Muhsinīn and enhance its meaning.

Keywords: Quran, Semantics, Muhsinīn, Collocation Relationship.

بررسی معناشناسی محسنین در آیات قرآن کریم با روش همنشینی

ام‌البین قاسمی^۱، محمدرضا یوسفی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
o.ghasemi1920@gmail.com

^۲ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
savabeghoussefi@gmail.com

چکیده

اهل «احسان» در لسان قرآن به «محسنین» اشتها دارند. این واژه در زمره واژگان پربسامد قرآن کریم است که به صورت‌های «محسن»، «محسنین» و «محسنات» به کار رفته و در نظام معنایی قرآن در ارتباط با کلمات دیگر صیغه معناشناسانه ویژه‌ای می‌یابد. طیف وسیع و گستردگی مفهوم محسنین در قرآن و بررسی ساختار و سیاق آیات متمرکز بر فهم «محسنین»، سبب فهمی درست و جامع از آیات قرآن می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی معناشناسی محسنین در آیات قرآن کریم را با روش همنشینی بررسی کرده است. نتایج حاکی از آن است که، واژه «محسن» اسم فاعل از فعل «أحسن» و در قرآن در دو معنی به کار رفته است، یکی در خصوص خیر رساننده و نیکی کننده به دیگران و دیگری در مورد کسی که کارهای نیک و رفتار صالح انجام می‌دهد، چه این رفتار عملی باشد، یا روحی و اعتقادی. این واژه دارای کلمات همنشینی مانند متقین، صابرين، مجاهدین، مفلحین، و منفقین بوده که با آنها روابط معنایی دارد و با آمدن در کنار محسنین، بُعدی از ابعاد آن را روشن می‌سازند و معنای آن را کامل تر می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، معناشناسی، محسنین، رابطه همنشینی.

استاد به این مقاله: قاسمی، ام‌البین؛ یوسفی، محمدرضا (۱۴۰۳). بررسی معناشناسی محسنین در آیات قرآن کریم با روش همنشینی. پژوهش‌های زیان‌شناختی متون اسلامی، ۱(۱)، ص ۷-۲۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در آیات مختلف قرآن کریم از گروهی از بندگان خدا تحت عنوان محسنین که به ویژگی‌های اخلاقی شایسته متّصف هستند، سخن به میان آمده و قرآن کریم به صراحت سیمای آن‌ها را برای الگوبرداری دیگران و معرفی صفات نیکو و پسندیده در قالب عناوینی مانند متّقین، مجاهدین، منفقین و... همت گماشته است. شناخت این موارد که حوزه معانی محسنین را تبیین و تشریح می‌کند، افق تازه‌ای برای فهم بیشتر واژه، باز می‌کند و این مورد می‌تواند کمک شایانی به فرهنگ‌سازی قرآنی در جامعه کرده و بنیه اعتقادی و معنوی افراد را استحکام بخشد. امروزه جامعه ما به شناسایی چند و چون محسنین نیاز مبرّم دارد، تا در مسیر خیرخواهی و ایثار کمک و یاری، حرکت کند. محسنین افراد فرزانه‌ای هستند که مساعدت به دیگران را وظیفه خود می‌دانند و با مساعدت‌های گوناگون خود، به جامعه نشاط و شادابی می‌بخشند. آموزه‌های قرآن و سنّت و تحریض و تشویق مردم به این فرهنگ نوع‌دوستی، در راستای تعالی جامعه و نهادینه کردن فرهنگ احسان است. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، کندکاوی در راستای فهم بهتر «محسنین» ضروری به نظر می‌رسد و نبودن کار تحقیقی جامع در این زمینه بر اهمیت آن می‌افزاید.

۲. پیشینه پژوهش

اوصالی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «احسان و محسنین از دیدگاه قرآن و حدیث»، به سؤالاتی از قبیل: احسان چیست و در چه حوزه‌هایی مطرح است؟ محسنین چه کسانی هستند و در قرآن و روایات، چگونه معرفی شده‌اند؟ آثار و تبعات احسان چیست؟ و نیکوکاران، از چه پاداش‌هایی بهره‌مند خواهند شد؟ پاسخ داده است.

تجری (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی مفهوم احسان و محسنین در قرآن کریم»، به معنای لغوی و اصلاحی احسان و محسنین پرداخته و ویژگی‌های آن را در کتاب و عترت معرفی کرده است.

تشکری صالح (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «آثار محبت خداوند به محسنین در قرآن»، نشان داد آثاری که در قرآن برای محبت خداوند به محسنین ذکر شده، در دو بخش آثار دنیوی و آثار اخروی قرار می‌گیرند. آثار دنیوی مثل هدایت، دریافت پاداش زود هنگام در دنیا، یاری خداوند، و آثار اخروی همچون نعمت‌های بهشتی و پاداش افزون‌تر هستند.

دهقان‌پور و بخشی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «معناشناسی احسان در قرآن»، با استفاده از معناشناسی، براساس بافت زبانی، به بررسی و تحلیل معنایی «احسان»، صرفاً در بافت قرآن کریم، و با استفاده از واژه‌های «تقوا»، «معروف» و «عدل» و از جانشین‌های احسان به واژه‌های «عمل

صالح»، «بر»، «خیر»، «فضل»، «انفاق»، «صدقه»، «زکات» پرداختند. سروری مجد (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «ابعاد فرهنگ احسان در قرآن و سنت»، به معرفی فرهنگ احسان در چارچوب تعالیم و حیانی قرآن و عترت پرداخته است. به نظر ایشان فرهنگ احسان که منشأ آن همان هدف خلقت انسان نیز است، در چند بُعد خلاصه می‌شود: ایمان به خدا و عمل صالح، نیکی به خلق، عفو، صفح و کظم غیظ، صبر، و جهاد. رفیعی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «معناشناختی واژگان اخلاقی در قرآن کریم»، به این سوال اساسی پاسخ داده که، آیا این واژگان قبل از نزول قرآن، هنگام نزول و پس از نزول دچار تطور و تغییر معنایی شده‌اند یا خیر. قاسمی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «احسان در قرآن و روایات» به ابعاد مختلف احسان در قرآن و روایات پرداخته است. در این پژوهش معنا و مفهوم احسان در لغت، اصطلاح، فقه، قرآن و روایات مورد کنکاش قرار گرفته و از بین معانی مختلف آن معنا و مفهوم مناسبی برای آن مشخص شده است. مصطفایی و غروی نائینی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «مفهوم‌شناسی احسان در قرآن کریم با بررسی حوزه معنایی احسان فردی»، نشان دادند که، احسان در قرآن دو فاعل دارد، یکی خدا و دیگری انسان. درباره خداوند، احسان به دو معنای احسان پدیده‌ها، تفضّل و انعام آمده و دیگر چگونگی انجام عمل در آن مطرح نیست. درباره انسان هم به دو معنای تفضّل و احسان عمل است. مومن (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «مصادیق و آثار احسان در قرآن و حدیث»، به بررسی مفهوم، مصادیق و آثار احسان در متون دینی پرداخته و نشان داد که مصادیق احسان محدود به بخش‌های مالی و انفاق نبوده و دارای شمول بسیار گسترده است.

۳. معناشناسی

در تعاریف آمده است: «معناشناسی کشف سازوکارهای معنا با مطالعه‌ای علمی را برعهده دارد» (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۳۱). بر این اساس، «نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنادار می‌داند که می‌توان به مطالعه آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن سطوح گوناگون برای متن است» (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۶). معناشناسی شاخه‌ای از دانش زبانشناسی است که به نظریه معنا می‌پردازد و یا «شاخه‌ای که به بررسی شرایط لازم در رمز می‌پردازد، تا قادر بر حمل معنا شود». به طور کلی، معناشناسی را می‌توان عبارت از مطالعه علمی (صریح بدون پیش‌داوری) معنای مراد و لوازم زبان در گذر تاریخ یا متن دوره‌ای خاص دانست که موضوع آن می‌تواند هر چیزی باشد که نقش نشانه یا رمز را ایفا می‌کند که این نشانه‌ها و رمزها گاه

غیرزبانی هستند، ولی دارای معنا و گاه زبانی می‌باشند. در زبان عربی، برخی آن را «علم الدلالة» (با فتح و کسر دال) و برخی «علم المعنی» می‌نامند (احمد مختار، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

از این رو «هدف معناشناسی، روشمند کردن مطالعه و بررسی متون و کلام است» (بی‌یرویش، ۱۳۸۴، ص ۱۸). از نظر ایزوتسو، معناشناس وظیفه دارد که انسجام کلام را شناسایی کند (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۳۲). در این تحقیق منظور از معناشناسی از جمله روش‌های نوین در پژوهش‌های قرآنی است که به کشف و شناسایی معانی نهفته در واژه‌های قرآن مجید می‌پردازد و ارتباط معناهای مختلف را در حوزه معانی تحلیل می‌نماید و واژه‌های مترادف، متقابل و ملازم را معرفی می‌کند. روشی که با این وضعیت یعنی رویکرد معناشناسانه کمتر به آن توجه شده است. معناشناسی دانش جوانی است و از ظهور آن به عنوان یک علم، کمتر از نیم‌قرن می‌گذرد. واژه Semantique از سوی م. برآل در سال ۱۸۹۳ میلادی با اقتباس از لغت یونانی Semantika، جمع Semantias به معنای علم مطالعه معنی وضع شد. این اصطلاح تنها برای اطلاق به معنا به کار گرفته نشد، بلکه سیر تحول آن را که معناشناسی تاریخی نامیده می‌شود، دربرگرفت و مدت زمانی به طول انجامید، تا این اصطلاح رسمیت یافت (پالمر، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

در معناشناسی همزمانی یا توصیفی، یک مفهوم، اصطلاح یا واژه، با توجه به خود متن بررسی می‌شود؛ بدین معنا که تمام مسائل مورد نیاز از جمله تعریف، انواع و عوامل یک واژه را از خود متن درمی‌آورند؛ به عبارت دیگر، در این نوع معناشناسی، اعتقاد بر این است که معنای یک واژه را می‌توان براساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد؛ یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار با متن دلالت دارد (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲). پس، در معناشناسی توصیفی سه کار انجام می‌شود: نخست اینکه اگر قصد داریم واژه‌ای را در یک متن بررسی کنیم، باید براساس همان متن، مفاهیم جانشین آن واژه را استخراج کنیم، چراکه معناشناسان معتقدند که هیچ واژه‌ای به طور مطلق هم‌معنای واژه دیگر نیست، حتی اگر مصداق‌های آنها یکسان باشد. دوم، استخراج مفاهیم هم‌نشین بوده و آخرین کار، استخراج واژه‌های متقابل است. به طور طبیعی، واژه‌های متقابل فقط واژه‌های متضاد نیستند، بلکه تمام آن واژه‌هایی هستند که به نوعی در متن در برابر واژه مورد نظر قرار گرفته‌اند. حال اگر ما توصیفی را انجام دهیم، می‌توانیم ادعا کنیم که به مراد و منظور یک متن از به‌کارگیری آن واژه دست یافته‌ایم (همان).

به صورت کلی، می‌توان چنین بیان کرد که معناشناسی اصطلاحی فنی است که به مطالعه معنی اطلاق می‌شود و معنا نیز صرفاً دانستن معنای لغت نیست، بلکه آگاهی از بافت فرهنگی و نیز رابطه یک واژه با واژگان دیگر در داخل یک متن است. البته قابل ذکر است که درباره اینکه «معنا» چیست،

یک اتفاق نظر کلی وجود ندارد. بنابراین، پژوهش حاضر با تکیه بر این تعریف، از چستی معنا و معناشناسی و نیز با استفاده از روش معناشناسی براساس بافت زبانی یا معناشناسی همزمانی که در کشف معنای مفاهیم و مفردات قرآنی پرکاربرد است و از طریق رابطه همنشینی، با بررسی پیوند میان واژگان مختلف که در یک زنجیره گفتاری هستند و یا واژه‌هایی که لزوماً حضور فیزیکی در جمله ندارند، ولی می‌توانند به جای هم انتخاب شوند، به معناشناسی مفهوم «محسنین» می‌پردازد.

محسنین افراد ارزشمندی هستند که مورد توجه تمام ادیان، به‌ویژه اسلام می‌باشند. اما مراد خداوند از محسنین در آیات قرآن چیست؟ برای رسیدن به معنایی از محسنین و خصوصیات و ویژگی‌ها و کارکردهای آنان لازم است که تمام ابعاد آن به صورت دقیق شناسایی شوند. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از معناشناسی، در چارچوب روابط معنایی در سطح واژه، ما را به شناخت آنها بر مبنای آیات قرآن برساند.

۴. رابطه همنشینی در معناشناسی

در میان پدیده‌های زبانی حداقل یک نوع رابطه وجود دارد، به نام رابطه و پیوند همنشینی. پیوند همنشینی، پیوندی است که میان واژگان مختلف در یک زنجیره گفتاری مشاهده می‌شود. پیوند همنشینی، بیشتر ناظر به پیوند ترکیبی میان عناصر زبانی است (جوادی و نیک‌پی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳). بنابراین، به ارتباط عادی یک واژه در زبان با واژه‌های معین و خاص دیگر در زبان، همنشینی گفته می‌شود (احمد مختار، ۱۳۸۶، ص ۷۴). از نظر سوسور^۱، رابطه همنشینی میان واحدهایی برقرار می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت حاضر هستند؛ به عبارت دیگر، یعنی پیوندهایی حاضر بین واژه‌ها. پیوند همنشینی پیوندی است که میان واژگان مختلف در یک زنجیره گفتاری مشاهده می‌شود؛ مثلاً در جمله «من به خانه دوستم رفتم»، «من»، «خانه»، «دوست» و «رفتم»، چهار جزء زنجیره‌ای گفتاری را تشکیل می‌دهند؛ یعنی آنها جزئی از یک زنجیره حقیقی هستند (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶). برای اینکه واژگان یا نشانه‌های زبانی بتوانند پیامی را برسانند، باید طبق روال خاصی بر روی یک محور افقی در کنار هم بنشینند. حال اگر واحدهای یک جمله را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که هر یک از آنها از یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر هستند و چنانچه یکی از واحدهای هم‌نشین تغییر یابد، یا حذف شود، در مفهوم پیام نیز خلل ایجاد می‌شود. این محور را محور همنشینی می‌گویند و رابطه واحدهایی را که بر روی این محور و در کنار هم می‌نشینند، رابطه همنشینی می‌نامند (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۲۷). رابطه همنشینی بیشتر ناظر به پیوند ترکیبی میان عناصر

1. Saussure

زبانی است. پیوندی که عناصر متضاد را کنار هم قرار می‌دهد و آنها را چنان با یکدیگر همبسته می‌سازد که از امتزاج و ترکیب آنها پدیداری کاملاً همگن و معنادار به دست می‌آید.

۵. معنای لغوی و اصطلاحی محسنین

برای اینکه محور معنایی «محسنین» برای ما روشن شود، آن را ابتدا از منظر کتب لغت بررسی می‌کنیم. یکی از واژه‌های اساسی و کلیدی در قرآن کریم، واژه «محسن» و مشتقات آن می‌باشد. این واژه اسم فاعل از فعل «أَحْسَنَ» است. از بررسی آن دسته از آیاتی که در آنها واژه‌های «محسن»، «محسنین» و «محسنات» به کار رفته است، این نتیجه به دست می‌آید که این واژه در قرآن در دو معنی مورد استفاده قرار گرفته، یکی در خصوص خیر رساننده و نیکی‌کننده به دیگران و دیگری در مورد کسی که کارهای نیک و رفتار صالح انجام می‌دهد، چه این رفتار عملی باشد یا روحی و اعتقادی. البته در اینجا معنی کاربرد دوم دربرگیرنده معنی کاربرد نخست می‌باشد؛ زیرا هر کسی که خیری را به دیگران می‌رساند و به دیگران نیکی می‌کند، این رفتار او فی‌نفسه، عمل صالحی محسوب می‌شود که کاربرد دوم شامل آن بوده و چنین شخصی «محسن» در معنی دوم آن می‌باشد.

مُحْسِن (به ضم میم و سکون حاء و کسر سین)، از واژگان قرآن کریم به معنای نیکوکار است. مُحْسِنِین و مُحْسِنَات هر دو جمع محسن و به معنی نیکوکاران هستند؛ کلمه محسنات فقط یکبار در قرآن کریم آمده است. مُحْسِن به معنی نیکوکار است. مُحْسِنِین: نیکوکاران. مُحْسِنَات: زنان نیکوکار. به نظر می‌آید که این اسماء فاعل در قرآن به جای صفت مشبیه به کار رفته‌اند و از آنها ثبوت اراده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۳۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۴۲). راغب معتقد است، حُسن عبارت است از هر چیز شادی‌آفرین و مطلوب انسان که ممکن است یکی از این سه نوع باشد: مطلوب از جهت عقل، مطلوب از جهت میل و هوس و مطلوب از جهت حَس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۳۵). این واژه از ریشه «حُسن» است. همچنین در کتاب لغوی معجم مقاییس اللغة آمده است: «الحاء و السین و النون، اصل واحد، فالْحُسن ضد القُبح»؛ این واژه ریشه تک‌معنایی دارد، و به معنای ضدّ و مخالف زشتی است (ابن فارس، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۷۸؛ جوهری، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۰۹۹). دهخدا واژه محسن را به معنای آراینده، نیکوئی‌کننده، کسی که به لیاقت کاری می‌کند (دهخدا، ۱۳۹۶، ج ۱۳، ص ۲۱۸)، و فرهنگ لغت معین، به معنای تحسین شده، آراسته شده، نیکوشده، نیکوکار، احسان شده، نیکوساخته، و زینت داده، آورده است (معین، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۶۵).

واژه حسن در هر یک از «جمال و زیبایی» و «خوبی و نیکی» قابل کاربرد و اطلاق است. همچنان که در قاموس قرآن به مطلب فوق تصریح شده است: «حُسن بر وزن قفل، زیبایی، نیکویی»

هر دو این معنی در قرآن یافت می‌شود، مثل: «لَا يَجِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا» (احزاب، ۵۲)، «(ای رسول) بعد از این (زنان) دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است، و نه مبدل کردن این زنان به دیگر زن؛ هر چند از حسنشان به شگفت آیی و بسیار در نظرت زیبا آیند، مگر که کنیزی مالک شوی. و خدا بر هر چیز (و بر حدودش) مراقب و نگهبان است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۹۲). بنابراین، خداوند مراقب کسانی است که به خاطر زیبایی، زنی را جایگزین همسر اول خود می‌نمایند. تعریفی که راغب اصفهانی از واژه «حَسَن» ارائه می‌دهد نیز مؤید مطلب فوق می‌باشد؛ ایشان می‌نویسد: «الْحَسَنُ عبارة عن كل مبهج مرغوب فيه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۵۴۱). «حَسَن عبارت است از هر چیز بهجت‌آفرین و شادی‌بخش که مورد رغبت و آرزو باشد»؛ زیرا بدیهی است که امر خوشایند شامل هر یک از «زیبایی» و «نیکی» می‌گردد.

البته نویسنده کتاب لغت قاموس به یکی از دو کاربرد «حَسَن» دقیقاً اشاره کرده و آن را به زیبایی معنا نموده است: «الْحَسَنُ الجمال». علاوه بر دو آیه‌ای که پیشتر درباره کاربرد واژه «حَسَن» در هر یک از زیبایی و نیکی بیان شده، شاید بتوان ادعا نمود که واژه «حَسَن» که در آیه ۳۷ سوره آل عمران دو بار آمده، هر کدام در یکی از دو معنای مذکور به کار رفته است، نخست در معنی «نیکو» و سپس در معنی «زیبا»: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا؛ پس پذیرفتش، خدا پذیرفتنی نیکو و رویانیدش، روئیدنی زیبا». آیه فوق درباره حضرت مریم و تولد او و پذیرش و پرورش او از سوی خداوند می‌باشد. باید خاطر نشان ساخت که در این آیه، حَسَن دو بار و به توالی آمده است؛ در بار اول معنای آن رفتار «نوازشگرانه و نیکویی» است که خداوند نسبت به حضرت مریم نشان می‌دهد. در بار دوم پرورش «تندرستانه» او را تا زمانی که زنی زیبا شود، متبادر به ذهن می‌سازد. در تفسیر المیزان آمده است که «مراد از اینکه فرمود: او را به انباتی حسن رویانیدیم، این است که رشد و پاکیزگی به او و به ذریه او دادیم، و به او و به هر يك از ذریه و شاخه‌ای که از تنه درخت وجودی او می‌روید حیاتی افاضه کردیم که آمیخته با القانات شیطان و پلیدی و تسویلات و وسوسه‌های او نباشد و خلاصه اینکه حیاتی طیب و طاهر به آنان افاضه می‌کنیم (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۷۱). پس منظور از «أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» شاید به معنی پرورش نیکوی اخلاقی و روحانی مریم باشد و شاید هم «تعبیر انبات» یعنی «رویاندن» در مورد پرورش مریم، اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی و روحانی و اخلاقی مریم باشد؛ چنانکه تفسیر نمونه آن را به این صورت مطرح می‌نماید که: «پروردگارش حضرت مریم را به طرز نیکویی پذیرفت و به طور شایسته‌ای (گیاه وجود) او را رویانید و پرورش داد. مادر مریم باور نمی‌کرد او به عنوان خدمتگزار خانه خدا (بیت المقدس) پذیرفته شود، به همین دلیل

آرزو داشت فرزندش پسر باشد؛ زیرا سابقه نداشت دختری برای این کار، انتخاب گردد، ولی طبق آیه فوق خداوند این دختر پاك را برای نخستین بار جهت این خدمت روحانی و معنوی پذیرفت. همچنین این جمله اشاره به نکته لطیفی دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است، یعنی همانگونه که در درون بذر گل‌ها و گیاهان استعدادهایی نهفته است که زیر نظر باغبان پرورش می‌یابد و آشکار می‌شود، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه‌گونه استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مربیان الهی که باغبان‌های باغستان جهان انسانیت‌اند قرار دهد، به سرعت پرورش می‌یابد و آن استعدادهای خداداد آشکار می‌شود، و انبات به معنی واقعی کلمه صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۲۸).

۶. کلمه محسنین در قرآن

از واژه‌ها و مفاهیمی که در قرآن کریم به صورت فراوان به کار رفته، واژه «احسان» و «محسنین» است، تا حدی که از مشتقات ریشه اصلی این واژه (ح - س - ن) جمعاً ۱۹۴ کلمه در قالب ۲۸ ریخت و صورت، به کار رفته است. کلمه «احسان» با مشتقاتش، ۳۴ مرتبه و واژه «محسن» با مشتقاتش ۳۹ مرتبه در قرآن کریم آمده است. همچنین در قرآن ۲۳ مرتبه کلمه «محسنین» و یک بار «محسون» آمده است. توجه به این مسئله نظر هر قرآن‌پژوهی را جلب می‌کند که این واژه را مورد دقت و بررسی قرار دهد، تا مفهوم یا مفاهیم و وجوهی که در آن استعمال شده‌اند را دریابد. لیکن از آنجا که بررسی کلیه مشتقات واژه «حسن» کاری گسترده است، از میان این واژه‌ها، واژه «محسن» با مشتقاتشان به دلیل اینکه موضوع پژوهش حاضر است، مورد بررسی قرار گرفته تا برخی از رفتارها و اوصاف مؤمنان و بندگان خوب خدا به صورت دقیق‌تر معرفی شوند؛ به ویژه اینکه خداوند در قرآن کریم بارها با تعبیر «ان الله يحبّ المحسنین» مورد محبت الهی بودن «محسنان» را بیان می‌دارد و نیز با این وصف و عنوان پیامبران بزرگ خود، مانند نوح(ع) و ابراهیم(ع) را توصیف کرده است.

۷. ویژگی‌های محسنین در قرآن

قرآن مجید آیات متعددی را به طرح ویژگی‌ها و خصوصیات محسنین اختصاص داده است. از جمله آنها عبارتند از:

شب‌زنده‌داری: «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ» (ذاریات، ۱۷)، «آنها کمی از شب‌ها را می‌خوابیدند». «یهجعون» از ماده «هجع» به معنی خواب شبانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۱). بنابراین، آنها اکثر شب را بیدار بودند و کمی از شب را می‌خوابیدند، و به اصطلاح همواره شب زنده‌دار بودند. در مجمع البیان آمده که، «آنها همه شب، بخشی را بیدار بودند و به

عبادت و نماز شب می‌پرداختند و شب‌هایی را که تماماً در خواب باشند و عبادت شبانه از آنها به کلی فوت شود، کم بوده است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۵۵).

استغفارکننده در سحر: دومین وصف، آنها را چنین بیان می‌کند: «آنها پیوسته در سحرگاهان استغفار می‌کردند». (و بِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (ذاریات، ۱۸). امام صادق (ع) درباره این آیه فرمود: مراد، هفتاد مرتبه استغفار کردن در نماز و تر نماز شب است (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۰).

توجه به محرومان: سومین وصف محسنین بهشتی آن است که، در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود، (و فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) (ذاریات، ۱۹). تعبیر به حق در اینجا یا به این دلیل است که خداوند بر آنها لازم شمرده است (مانند زکات، خمس) و یا آنها خود بر خویشان الزام کرده و تعهد نموده‌اند، و در این صورت غیر حقوق واجب را نیز شامل می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۳۲۳).

چشم‌پوشی از دنیا: (وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا) (احزاب، ۲۹). اگر اینها خدا و رسول و آخرت را می‌خواهند، خدا برای زنان نیکوکار [محسنه] از شما پاداشی بزرگ قرار داده است. این آیه بیان می‌کند که محسن آن کسی است که از دنیا و زینت‌های آن برای آخرت چشم‌پوشد. اگر اهل آخرتی، اگر خداخواهی، اگر رسول می‌خواهی، خداوند برایت اجر قرار داده است.

مشمول الطاف الهی: (لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ) (زمر، ۳۴)، برای آن بندگان نزد خدایشان از هر نعمتی که بخواهند، مهیاست، که این پاداش نیکوکاران عالم است.

برپاکننده نماز و زکات: (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ. هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ. الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) (لقمان، ۴-۲)، «این آیات کتاب حکیم (قرآن) است. هدایت و رحمت است برای محسنین، محسنین کسانی هستند که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند».

تحمل سختی در راه خدا: (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (توبه، ۱۲۰)؛ «زیرا هیچ رنج تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا نکشند و هیچ قدمی در جایی که کفار را خشمگین کند، نهند و هیچ دستبردی به دشمنان نرسانند، جز آنکه در مقابل هر یک از این رنج و آلام، عمل صالحی در نامه اعمالشان نوشته شود، که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت». اینکه به اینها جزاء و اجر محسنین دادیم، به این دلیل است که اینها در راه خدا سختی کشیدند.

اهل کرامت و گذشت: اهل احسان کسانی هستند که گذشت داشته باشند. «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۲۳۶)، «باکی بر شما نیست، اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته‌اید، ولی آنها را به چیزی بهره‌مند سازید، دارا به قدر خود و نادار به قدر خویش به بهره‌ای شایسته او، که این سزاوار مقام نیکوکاران است. بنابراین، طبق این آیه، نیکوکار و محسن آن است که حق آنها را علاوه بر آن می‌دهد و به آنها سختگیری نمی‌کند و اهل کرامت و گذشت است.

نزدیکی به رحمت الهی: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنْ رَحِمَتِ اللَّهُ قَرْيَبًا مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف، ۵۶)، «و هرگز در زمین پس از آنکه کار آن (به امر حق و شرع رسول حق) نظم و صلاح یافت، به فساد و تباهکاری برنخیزید، و خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید، که البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

معناشناسی محسنین: در ادامه، با استفاده از معناشناسی براساس بافت زبانی، با بررسی روابط همنشینی، به تحلیل معنایی مفهوم احسان تنها در بافت زبانی قرآن کریم پرداخته می‌شود. از همنشین‌های محسنین به واژه‌های «متقین»، «صالحین»، «منفقین»، «مجاهدین»، «مفلحین» و «صابرین» پرداخته می‌شود، تا با استفاده از تحلیل این روابط، معنای واقعی محسنین بدست آید.

۸. مفاهیم همنشین محسنین

متقین: برای بررسی همنشینی متقین در قدم اول باید معنای لغوی تقوا مشخص شود. تقوا اسم مصدر از ریشه «وقی» در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق‌العاده است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۰۲). معنای «اتقاء»، «احتفاظ» است. «اتَّقُوا النَّارَ» یعنی خود را از گزند آتش حفظ کنید. تقوا در چند آیه از قرآن همنشین احسان آمده است که در ادامه برخی از آنها بررسی می‌شوند. «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده، ۹۳)؛ «بر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند، نیست (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند)، مشروط بر اینکه تقوا پیشه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند، سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

در این آیه، سه بار به تقوا اشاره شده که هر یک مرحله‌ای از احساس مسئولیت و پرهیزگاری را معرفی می‌کند. منظور از «تقوا» که نخستین بار ذکر شده، همان احساس مسئولیت درونی است که

انسان را به سوی تحقیق دربارهٔ دین و حق هدایت می‌کند و نتیجهٔ آن ایمان و عمل صالح است. دومین بار که سخن از تقوا به میان آمده، اشاره به تقوایی است که در درون جان انسان نفوذ می‌کند و نتیجهٔ آن، ایمان ثابتی است که عمل صالح جزء آن است. منظور از تقوایی که سومین بار ذکر می‌شود، تقوایی است که به مرحلهٔ عالی خود رسیده، به طوری که علاوه بر دعوت به انجام وظایف حتمی، دعوت به احسان یعنی تمام کارهای نیک نیز می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۷۵). پس معنای «تَمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا» این است که حق تقوا زمانی ادا می‌شود که توأم با عمل به احکام و آنچه که به انسان در رسیدن به ایمان و رستگاری واقعی کمک می‌کند، باشد، و این همان معنای احسان است که به معنای انجام دادن عمل است به وجه حَسَن و نیکویش، بدون اینکه در آن هیچ‌گونه قصد سویی در کار باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۹۰). در حقیقت، این احسان و تقوا، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند؛ یعنی تقوایی مورد تأیید الهی است که همراه با احسان و عمل به اعمال نیک به وجه احسن باشد و برعکس، احسانی مورد قبول خداوند است که متصل به تقوا باشد؛ به عبارت دیگر، تقوا یک عامل بازدارنده است و احسان یک عامل حرکت‌آفرین که مجموعاً ترک گناه و انجام فریض و مستحبات را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۰۱) که برای رسیدن انسان به رستگاری و کمال واقعی، هر دو باید در کنار هم باشند. تقوا شرط احسان است. عملی احسان است که توأم با تقوا باشد. در نتیجه، با توجه به این توضیحات، این دو مفهوم قرآنی در یک حوزهٔ معنایی قرار دارند و تکمیل‌کنندهٔ معنای یکدیگرند و به همین علت، همنشین یکدیگر قرار گرفته‌اند.

بنابراین، محسنین در قرآن کریم معادل با متقین است. محسن کسی است که عملی که انجام می‌دهد، عملش مصداق حَسَن و نیکوست، یعنی همان که خدا دستور داده است. همه چیز خدا نزدیک متقین است، علمش، قدرتش، «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه، ۱۲۳)، معیت خدا، نصرت خدا، یاری خدا، تفضلات خدا، احسان‌های خدا، نزدیک به متقین است. بنابراین، گاهی قرآن کریم، محسنین می‌گوید، گاهی متقین، هر دو به یک معناست. در برخی از کاربردهای واژه محسنین در قرآن کریم، این لفظ تقریباً مترادف با رعایت تقوا و پرهیزکاری که شرط اصلی آن اخلاص و نیت پاک می‌باشد، به کار رفته است. از صریح‌ترین آیات در این زمینه، آیات ۴۱ تا ۴۴ سورهٔ مرسلات است که در آنها واژه «محسنین» هم‌طراز و هم‌سنگ واژه «متقین» گرفته شده است و می‌توان از آن، مقدار ارتباط معنایی «محسن» و تقوا را بدست آورد: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَاحِشٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»، «پرهیزکاران در سایه‌ساران و [کنار] چشمه‌ساراند و میوه‌هایی که دلخواهشان است، به خاطر کارهایی که کردند، بخوردند و بنوشند [خوش و] گوارا، ما بدین گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم.

صابرین: «وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود، ۱۱۵)، «و صبر کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد». در تفسیر اطیب البیان آمده، فعل حسن فاعلش محسن است و اجر او عندالله از بین نمی‌رود و فعل حسن فعلی است که دارای مصلحت ملزومه یا مصلحت راجحه باشد و اگر دارای مفسده باشد، ولو مفسده راجحه قبیح است و اگر خالی از مصلحت و مفسده باشد، یا مساوی لغو است» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۳۷). پس، قرآن مجید در مواردی مفهوم صابرین را در معنای محسنین به کار برده و نشان می‌دهد که این دو واژه معادل یکدیگر هستند. در مجموع، می‌توان گفت: محسنین در کاربرد قرآنی کسانی هستند که اهل ایمان و عمل صالح باشند. «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۹۰)، «البته هر کس تقوا و صبر پیشه کند، خدا اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد». «باید خاطر نشان ساخت که در اینجا محتوای معنایی احسان به تقوا و صبر تعریف شده که هر دوی آنها از خاصه‌های انسان مؤمن است». «وَكَلَيْتُ مِنَ نَجِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران، ۱۴۶)، «و چه بسیار پیامبرانی که همراه ایشان توده‌های انبوه نبرد کردند و از هر رنجی که در راه خدا دیدند، نه سستی ورزیدند و نه ضعف و زبونی نشان دادند و خداوند شکیبایان را دوست دارد و سخن ایشان جز این نبود که گفتند پروردگارا، گناهان ما و گزافکاری‌هایمان را در کارمان بیامرز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را به خدانشناسان پیروز گردان. آنگاه خداوند به آنان پاداش دنیوی و پاداش نیک اخروی عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد». خداوند متعال در آیه فوق به توصیف صابرین می‌پردازد که در راه دین ثابت‌قدم و استوار هستند و هرگز در راه دفاع از دین حق به خود تزلزل و سستی راه نمی‌دهند و از چیزی در این راه نگران نبوده، مگر از نافرمانی پروردگار خود و کوتاهی در انجام تکالیف، و این مقامی بس بزرگ است. حال خداوند در پایان آیه از چنین گروهی با وصف «محسنین» یاد کرده و بیان می‌دارد که آنان مورد محبت او هستند.

منفقین: واژه محسنین با آن بخش از آیات که «انفاق» به معنای بخشش و عطاء آمده است، رابطه معنایی دارد. در قرآن کریم مفاهیمی به کار رفته که در رابطه با «محسنین»، رابطه جزء با کل را دارند؛ بدین صورت که این واژگان جزئی از کارهای محسنین محسوب می‌شوند و مانند حلقه‌هایی دور محسنین قرار می‌گیرند و بُعدی از ابعاد احسان را مشخص می‌کنند. «انفاق» مصدر باب افعال از ریشه «نقق» به معنی گذشتن هر چیزی و از بین رفتن آن با تمام شدن آن چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۰۲)؛ و در اصطلاح قرآنی، انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه، یا از بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر

آنچه خدا به آن فرمان داده، می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۵).

بنابراین، «انفاق فی سبیل‌الله» از کارکردهای محسنین می‌باشد. انفاق فی سبیل‌الله کاری است که توقع کار دیگری در ازای آن از طرف مقابل نمی‌رود و آن چنانکه قرآن مجید در وصف آن از قول افراد محسن و نیکوکار نقل می‌کند، این کار را تنها برای خدا انجام می‌دهند: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»، «و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین»، «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! * (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم (انسان، ۹-۸). یکی از ویژگی‌های بارز محسنین این است که کار را برای رضای خداوند انجام می‌دهند. این آیه نیز نشان می‌دهد که «انفاق» تنها برای رضای خدا انجام می‌شود. پس، می‌توان گفت انفاق، از انواع کار محسنانه است (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۰۳).

قرآن کریم در جایی دیگر در مورد همنشینی واژه محسنین با منفقین می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»، «کسانی که در سختی و راحتی انفاق می‌کنند، آنهایی که خشم خود را فرومی‌برند، از مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. از اینکه بدنبال ذکر آن اوصاف و رفتارها تعبیر به «والله یحبّ المحسنین» شده، معلوم می‌شود که اوصاف و رفتارهای ذکر شده معرّف «محسنین» است، همچنان که در تفسیر المیزان آمده است که: «در این گفته خداوند «والله یحبّ المحسنین» این اشاره وجود دارد که اوصاف قبلی، معرّف عنوان «محسنین است». از طرف دیگر، روشن است که تمامی اوصاف مذکور در ارتباط با مردم و خیر و نفعی است که به دیگران رسانده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۳۹).

در تفسیر پرتوی از قرآن روایتی آمده که، کنیزکی بالای سر امام علی بن الحسین (ع) ایستاده بود و برای وضو آب بر دست آن حضرت می‌ریخت، ناگهان آفتابه از دستش رها شد و گونه‌اش را شکافت. آن حضرت خشمگین سر برداشت و به او نگریست، کنیز گفت خداوند می‌گوید: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظُ!»، فرمود «خشم خود را فرو بردم». کنیز گفت: «وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» فرمود: خداوند از تو درگذرد. گفت: «وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». فرمود: برو که تو آزادی. این روایت مبین مراتب و مدارج این صفات و اخلاق انسانی و قرآنی است و نیز نمونه‌ای از وضع بردگان بوده که چگونه در پرتو اسلام و در خاندان اهل بیت (ع) تربیت و رشد و کمال دینی می‌یافتند و دارای آزادی روحی و معنوی می‌شدند و شایستگی آزادی کامل را پیدا می‌کردند و با پیشامد مناسب و یا با طرق گوناگون بوسیله احکامی که اسلام وضع کرده است، آزادی واقعی می‌یافتند (طالقانی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۴).

مجاهدین: این واژه هم با کلمه محسنین رابطه همنشینی دارد. چنانکه در این آیه آمده است:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹)، «کسی که در راه ما جهاد کند، ما او را هدایت می‌کنیم و خدا با محسنین است». در تفسیر اثنی عشری آمده است که این آیه دلالت می‌کند بر اینکه هر کس در راه خدا مجاهده نماید، هر آینه راه به او نشان داده می‌شود. در این کلمه اشاراتی است، از آن جمله: اقدام در فرمانبرداری خدا، موجب زیادتى توفیق است. همچنین عمل کردن به علم، سبب زیادتى در علم است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۶). جهاد و مجاهده همچنان که در تفسیر المیزان آمده، یعنی به‌کارگیری توان و نیرو در راه مواجهه و مقابله با دشمن، و این کار بر سه قسم است: جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان، جهاد با نفس و خواهش‌های نفسانی. تعبیر «فینا» در آیه شریفه می‌رساند که این تلاش و مواجهه در ارتباط با خداوند و درباره امور اعتقادی و رفتاری متعلق به او است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۵۱). بنابراین، منظور از جهاد و مجاهده در آیه فوق، معنای عامی خواهد بود که شامل هر نوع تلاش و کوشش در راه خدا می‌شود، اعم از اینکه تلاش در زمینه یاری و مساعدت مردم و تقویت و تبلور ایمان و اعتقاد باشد، و یا اینکه تلاش و مجاهده در زمینه انجام اوامر الهی و مبارزه با نفس و عوامل گناه و معصیت باشد. پس، رابطه معناداری بین دو واژه محسنین و مجاهدین دیده می‌شود و در حقیقت مجاهد فی سبیل‌الله بهترین و والاترین مصداق عینی فرد محسن است.

مفلحین: واژه مفلح از ریشه فلاح است. معنای اصلی ماده فلاح چیزی است که لازمه آن رهایی از شرور و دستیابی به خیر و صلاح بوده و با این دو قید، از ماده نجات، ظفر و صلاح امتیاز می‌یابد. در زبان فارسی از فلاح به پیروزی و رستگاری تعبیر می‌شود، البته مفلح انسانی است که با رنج و تعب به مقامی رسیده باشد، و نه بدون رنج (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۰۷). در قرآن مجید آمده است: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (لقمان، ۵-۲)، «این کتاب حکمت‌آموز است، رهنمود و رحمتی برای نیکوکاران [همان] کسانی که نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به آخرت یقین دارند، اینان که از سوی پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم اینانند که رستگارند». در آیه فوق از طرفی هدف از نزول آیات قرآن شمول رحمت و هدایت بر محسنان شمرده شده و از طرف دیگر توصیفی از رفتار و حال و هوای محسنان ارائه می‌شود و در پایان، عاقبت امر محسنان که همان فلاح و رستگاری است، آمده است.

چنین به نظر می‌رسد که بین عناوین فوق، یک ترتیب منطقی وجود داشته باشد؛ چراکه تقوا در سوره بقره، دارای مراتب متعددی است که پایین‌ترین مرتبه آن، آمادگی نفس برای پذیرش حق است. بنابراین، کسی که در این مرتبه از تقوا قرار دارد، ولو هنوز ایمان نیآورده و عمل صالحی انجام نداده،

هدایت قرآنی شامل حال او می‌شود، و وقتی به مرتبه ایمان برسد، قرآن او را به سوی انجام فرامین الهی سوق می‌دهد و دعوت می‌کند، و اگر شخص با ایمان، پایبند فرامین الهی و دستورات قرآنی باشد، عنوان «محسن» بر او صادق خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۵۳). رابطه معناشناسانه محسنین با مفلحین از اینکه نتیجه کار و تلاش محسنانه به فلاح و رستگاری می‌انجامد، و فلاح نتیجه و ثمره احسان بوده، قابل تأمل است.

صالحین: صلاح، ضد فساد، به معنای نیکی کردن و نیکوکار شدن است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۳۸۴)، و صالح کسی است که انجام‌دهنده صلاح و ملازم و متمسک به آن باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۱). در تفسیر روح المعانی آمده است که، صالحان کسانی هستند که در علم و ایمانشان به خدا و آنچه از نزد خدا آمده و نیز در صداقت، شهادت و توبه آنان، خللی وارد نشده باشد و تمام عمر خود را در طاعت خدا و اموالشان را در راه رضای او صرف نمایند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۱۴). خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ * فَأَنَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (مانده، ۸۳)، «و چون آنچه بر پیامبر [اسلام] نازل شده است، بشنوند، می‌بینی که چشمانشان از اشک لبریز می‌شود، از آنکه حق را می‌شناسند [و] می‌گویند پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم، ما را در زمره گواهان بنویس، و چرا به خداوند و حق حقیقتی که برای همه ما نازل شده است، ایمان نیاوریم و حال آنکه امیدواریم که پروردگار، ما را در زمره شایستگان درآورد. و خداوند نیز به پاداش این سخن که گفتند، بوستان‌هایی که جویباران از فرودست آن جاری است، نصیبشان می‌سازد که جاودانه در آن خواهند بود و این پاداش نیکوکاران است». در آیات بالا توصیف به «محسنین» شامل حال کسانی شده که رفتار اعتقادی صالحانه‌ای که عبارت از ایمان به خداوند و پیامبر (ص) و کتاب آسمانی قرآن است، داشته‌اند. واژه «محسن به معنای خیر و یاری رساننده به دیگران و یا انجام‌دهنده اعمال صالح و به جای آورنده رفتارهای نیک، تصویر دیگری از سیمای صالحین است و تلاش صالحانه است که فرد را «محسن» می‌کند. بنابراین، مقام محسنان از برخی از مقاماتی که گفته شد، بالاتر است.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از معناشناسی، براساس بافت زبانی، با بررسی واژه‌های همسو، به تحلیل معنایی «محسنین» صرفاً در بافت قرآن کریم پرداخت. معناشناسی دانشی است که به مطالعه معنا می‌پردازد. «معنا» آگاهی از بافت فرهنگی و نیز رابطه یک واژه با واژگان دیگر در یک متن است.

از واژه‌های همنشین به واژه‌های «متقین»، «صالحین»، «منفقین»، «مجاهدین»، «مفلحین» و «صابرین» و از واژه‌های مقابل احسان به «ظلم» توجه شده است. با استفاده از تحلیل این روابط، معنای واقعی «محسنین» بدست آمد، که محسنین افراد صالح و باتقوایی هستند که با تلاش مجاهدانه و با ایثار و انفاق مالی و غیرمالی و با صبر و پایداری، به انجام امور خداپسندانه برای مردم مبادرت می‌ورزند و از آنجایی که عمل محسنانه آنها از صمیم قلب و رغبت و با هدف و قصد الهی و در راستای شادی دیگران انجام می‌شود، باعث تکامل نفس و تقرّب به خدا و فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت می‌گردد.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. المحقق: علی عبد الباری عطیة. بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۴.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۱۳ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶ق). لسان العرب. تصحیح امین محمد عبدالوهاب. بیروت: نشر داراحیاء، ج ۲، ۷.
- احمد مختار، عمر (۱۳۸۶). معناشناسی. ترجمه سیدحسین سیدی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: قلم.
- بی یرویش، مانفرد (۱۳۸۴). زبان‌شناسی جدید. ترجمه محمدرضا باطنی. تهران: آگاه.
- پالمر، فرانک (۱۳۸۱). نگاهی تازه به معناشناسی. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- تجری، علی اصغر (۱۳۸۶). بررسی مفهوم احسان و محسنین در قرآن کریم. معارف، شماره ۴۸.
- تشکری صالح، ابوذر (۱۳۹۱). آثار محبت خداوند به محسنین در قرآن. معرفت، ۲۱ (۱۸۰).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تسنیم. قم: اسراء، ج ۲.
- جوادی، محمد؛ نیک‌پی، امیر (۱۳۸۹). ایده و مفهوم ساختارگرایی با بررسی آرای سوسور و لوی استروس. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱ (۳).
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). الصحاح. بیروت: دارالمعرفة، ج ۵.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری. تهران: انتشارات میقات، ج ۱۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۶). لغت‌نامه دهخدا. تحقیق: جمعی از محققان. تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۳.
- دهقان‌پور، علیرضا؛ بخشی، ژیلدا (۱۳۹۳). معناشناسی احسان در قرآن. پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، ۵ (۱۷).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، ج ۴-۵، ۱-۲.
- رفیعی، علی (۱۳۹۹). معناشناسی واژگان اخلاقی در قرآن کریم. قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
- زیبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: چاپ علی شیری، ج ۱۸.
- سروری مجید، علی (۱۳۹۳). ابعاد فرهنگ احسان در قرآن و سنت. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۵ (۲۵).
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۸). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۵). پرتوی از قرآن. تهران: نشر عروج، ج ۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). میزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۳، ۶، ۸، ۱۶.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق: محمدجواد بالغی. تهران: ناصرخسرو، ج ۹، ۲-۳، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه. تهران: صدوق، ج ۲.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام، ج ۷.

- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نی.
- قاسمی، رضا (۱۳۹۱). *احسان در قرآن و روایات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران: پژوهشکده ادبیات.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۳.
- مصطفایی، محمد؛ غروی نائینی، نهله (۱۳۸۹). *مفهوم‌شناسی احسان در قرآن کریم با بررسی حوزه معنایی احسان فردی*. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۷(۱).
- معین، محمد (۱۳۹۵). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۴، چاپ پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۲۲، ۱۹، ۵، ۸.
- مؤمن، سیدحامد (۱۳۹۳). *مصادیق و آثار احسان در قرآن و حدیث*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه معارف اسلامی قم.